

استانداردهای حسابداری بخش عمومی

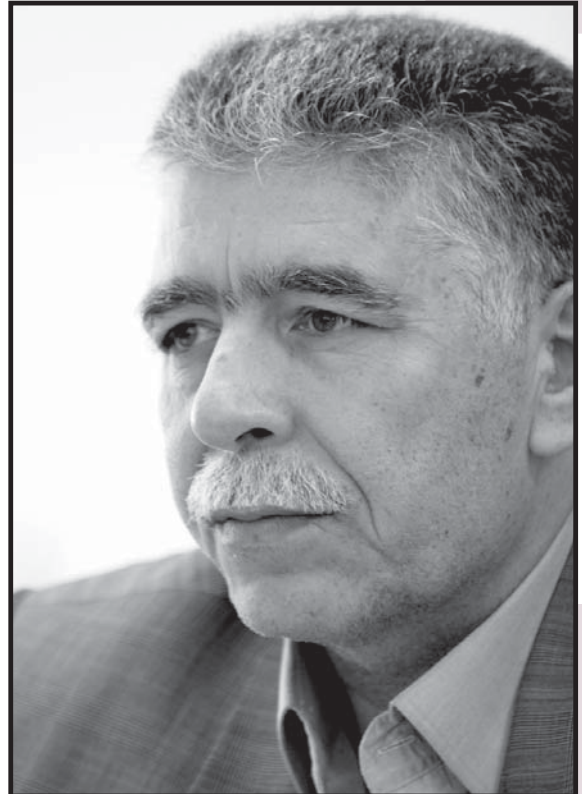
در ابتدای راه

گفتگو

با

آقای محمد شریعتی

عضو هیئت مدیره مؤسسه حسابرسی نوین نگر مانا



سازمان

مانند گذشته به درخواست ما برای گفتگو درباره استانداردهای حسابداری بخش عمومی که موضوع محوری این شماره است پاسخ مثبت دادید. نشریه حسابرس کوشش دارد طیف گسترده‌ای از دیدگاههای صاحب‌نظران را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد و در آن میان دیدگاههای صاحب‌نظران پر تجربه که حضور و نقش سازنده در تحولات حرفه داشته‌اند، و البته شما نیز از شمار ایشان هستید، اهمیت خاصی دارد. از مشارکت شما در این گفتگو سپاسگزاریم. برای شناخت بهتر میدان گفتگو ابتدا درباره بخش عمومی و وجوه تمایز آن با بخش خصوصی توضیح دهید.

شریعتی

برای شناخت بهتر و ارائه تعریف مناسبتر از بخش عمومی ابتدا لازم است هدفها و ویژگیهای بخش عمومی بیان شود. طبق قانون اساسی کشور، دولت موظف به انجام وظایف و مسئولیتهای مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. این وظایف به‌طور واضح با فعالیتهایی که در بخش خصوصی انجام می‌شود متفاوت است. اساسی‌ترین هدف بخش عمومی در ارائه خدمات عمومی به مردم

و اداره می‌شوند، هر چند که به‌طور قانونی در دایره شمول بخش عمومی قرار ندارند، لیکن در دامنه کاربرد استانداردهای حسابداری بخش عمومی قرار گرفته‌اند.

سازش

مهمترین ویژگیهای محیط حسابداری دولتی ایران کدامست و آیا تفاوتهای مهمی با دیگر کشورها دارد؟

شریعتی

بیان تفاوت ویژگیهای محیط حسابداری دولتی ایران با کشورهای منتخب، مستلزم اجرای یک پروژه تحقیقاتی است که در این مقال نمی‌گنجد. ولی شاید بیان ویژگیهای محیط موجود حسابداری در ایران به اختصار و در قالب چند عنوان بتواند تا حدودی ما را به هدف نزدیک کند.

مبانی نظری و قانونی پاسخگویی در ایران: قانون اساسی در ایران مقرر کرده که امور کشور به اتکای آرای عمومی و از راه انتخابات با انتخاب رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شوراها اداره می‌شود و حاکمیت مردم به رسمیت شناخته شده است. قانون اساسی همچنین بر استقلال قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضاییه تأکید دارد و مقرر می‌دارد: *“قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.”*

خلاصه می‌شود در حالی که هدف اصلی در بخش خصوصی دستیابی به سود از طریق اشتغال به فعالیتهای اقتصادی است. موارد زیر را می‌توان به‌عنوان بارزترین ویژگیهایی نام برد که بخش عمومی را از بخش خصوصی متمایز می‌کند:

- تأمین امنیت و رفاه عمومی مردم مهمترین مسئولیت دولتهاست و برای دستیابی به این هدف تصمیمها به‌طور عمومی بر مبنای تحلیل هزینه-فایده مالی نیست.
- دولت برای تأمین منابع مالی از اختیار و قدرت منحصر به‌فردی برخوردار است. بدین ترتیب می‌تواند مالیات دریافت کند، پول منتشر و یا استقراض کند و به ذخایر انبوه ولی پایان‌پذیر از ثروت کشور دسترسی دارد.
- دولت برای دستیابی به هدفهای خود ناگزیر از انجام سرمایه‌گذاریهای زیربنایی مانند، زیرساختهای حمل‌ونقل، شبکه‌های انتقال نیرو و مانند آن می‌باشد.
- بودجه به‌عنوان برنامه مالی سالانه و همچنین ساختاری برای تخصیص منابع محدود، کنترل مخارج و ارزیابی عملکرد دولتها همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.
- صرف‌نظر از موارد یادشده، از نگاه قوانین و مقررات از جمله قانون محاسبات عمومی، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و قانون مدیریت خدمات کشوری، با رویکرد ساختاری، دستگاههایی مانند وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌های دولتی، شرکتهای دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و شهرداریها و همچنین قوای مقننه و قضاییه در زمره بخش عمومی طبقه‌بندی شده است.

ولی استانداردهای بخش عمومی با رویکردی دوگانه، ضمن توجه به مبانی قانونی و ماهوی آن، در بخش مربوط به مفاهیم نظری، حوزه بخش عمومی را این‌گونه بیان داشته است: *“این بیانیه برای گزارشگری مالی واحدهای غیرانتفاعی بخش عمومی تدوین شده است. این واحدها شامل وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌های دولتی و سایر واحدهایی است که استفاده از گزارشگری مالی واحدهای انتفاعی برای آنها مناسب نیست.”* با این مفهوم برای مثال شرکتهای دولتی اگرچه طبق قانون در شماره دستگاه‌های بخش عمومی طبقه‌بندی شده‌اند، اما در دامنه شمول استانداردهای بخش عمومی قرار نمی‌گیرند و در مقابل مؤسسه‌های خیریه‌ای که به‌وسیله افراد خیر ایجاد

مبانی پاسخگویی باید

به‌طور شفاف

در قوانین پیش‌بینی و

نیاز پاسخگویی و پاسخدهی

در جامعه

نهادینه شود

یکی از دلایل توفیق نیافتن در استمرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی

فقدان سیستم‌های اطلاعاتی لازم برای محاسبه

قیمت تمام‌شده خدمات و فعالیتها است

سیستم حسابداری اموال: با توجه به نبود سیستم حسابداری مناسب اموال، ارتباط نداشتن سیستم اموال با اطلاعات حسابداری، امکان حفاظت مناسب از داراییها و جلوگیری از استفاده ناصحیح از اموال و به‌کارگیری آنها در خارج از هدفهای مصوب و برنامه‌ریزی شده میسر نیست.

مبنای حسابداری: حسابداری مورد عمل در وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی بر مبنای نقدی است. از آنجایی که در روش نقدی امکان شناسایی مثبت تمامی درآمدها و هزینه‌های واقعی دوره مالی و همچنین شناسایی، اندازه‌گیری و ثبت دارایی‌ها و بدهی‌های واحدهای گزارشگر وجود ندارد، این روش از توانایی لازم برای تهیه گزارشهای مالی شفاف که امکان ایفای مسئولیت پاسخگویی دولت را فراهم نماید، برخوردار نیست.

نظارت مالی: براساس قوانین فعلی، نظارت مالی به‌طور سنتی، عمدتاً معطوف به نظارت قبل از خرج است که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی از طریق ذیحسابان منتخب در محدوده انطباق خرج با قوانین و مقررات انجام می‌شود و رسیدگیهای دیوان محاسبات نیز به‌طور عمده معطوف به انجام حسابرسی رعایت است. در حالی که لازم است به‌منظور ارتقای قابلیت اتکای اطلاعات مالی منعکس در گزارشهای مالی حسابرسی‌های مربوط شامل حسابرسی مالی و عملیاتی براساس استانداردهای مربوط انجام شود تا از این طریق اعتماد استفاده‌کنندگان از گزارشهای مذکور فراهم شود.

نظام بودجه‌ریزی: در نظام بودجه‌ریزی سنتی موجود عوامل مهمی همچون اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی در قبال صرف منابع نادیده گرفته می‌شود و منابع به‌درستی استفاده

همچنین در اصول مختلف قانون اساسی پاسخگویی رئیس‌جمهور در قبال مردم و نمایندگان و پاسخگویی نمایندگان در برابر ملت مورد تأکید قرار گرفته است و سازوکارهایی برای این پاسخگویی از قبیل تحقیق و تفحص و استیضاح پیش‌بینی شده است. لیکن به‌رغم مراتب یادشده، به‌منظور تحقق مسئولیت پاسخگویی مالی و عملیاتی، وجود قوانین عادی الزام‌آور و طراحی سازوکارهای عملی برای تحقق آن لازم است که تاکنون در مقررات موجود به‌طور شفاف موضوع پاسخگویی و سازوکار اجرایی آن مورد توجه قرار نگرفته و حتی مقررات موجود نیز به‌طور کامل رعایت نمی‌شود. برای مثال در اصل ۵۵ قانون اساسی تأکید شده است که گزارش تفریغ بودجه باید در اختیار عموم مردم قرار بگیرد اما این امر تاکنون محقق نشده است. از اینرو مبنای پاسخگویی باید به‌طور شفاف در قوانین پیش‌بینی و نیاز پاسخگویی و پاسخدهی در جامعه نهادینه شود.

نقش بخش امور مالی دولت: از آنجایی که در ایران تاکنون بخش عمده درآمد دولت از محل فروش نفت حاصل می‌شود و مالیات پرداختی از سوی شهروندان به‌ویژه تا سالهای اخیر سهم پایینی از درآمد دولت را شامل می‌شود، و از سویی مالیاتهای غیرمستقیم نیز خود وابستگی زیادی به درآمد نفت دارد، از اینرو سهم واقعی مالیاتها از بودجه عمومی دولت در عمل کمتر از مبالغ ظاهری منعکس در بودجه می‌باشد و حسابداران نسبت به مسئولیت پاسخگویی دولت حساسیت کمتری دارند و لاجرم گزارشهای مالی و بودجه‌های تنظیمی ویژگی لازم برای برآورده نمودن مسئولیت پاسخگویی را ندارند.

البته روی دیگر سکه وجود نقصهای متعدد و ناتوانی این روش در تأمین انتظارات اطلاعاتی رو به افزایش دستگاه‌های دولتی است که ضرورتاً جایگزینی آن با روش تعهدی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

تمایل روزافزون دولتها به استفاده از روش تعهدی را باید در توانمندی این روش در فراهم آوردن شرایط لازم برای ارتقای شفافیت، قابلیت پاسخگویی و قابلیت مقایسه دانست. به عبارت دیگر اهمیت وظیفه پاسخگویی مسئولین و همچنین دسترسی به اطلاعات شفاف مهمترین ضرورت به‌کارگیری روش تعهدی است. شاید بتوان فهرست بلندی از محاسن روش تعهدی در قبال روش نقدی ارائه کرد، اما در این فرصت به ذکر مهمترین مزایای به‌کارگیری روش تعهدی به شرحی که برخواهم شمرد بسنده می‌کنم.

- دستیابی به اطلاعات جامع و کامل از وضعیت مالی موجود،
- امکان تعیین و شناسایی هزینه‌های مرتبط با درآمدهای شناسایی شده (اصل تطابق هزینه‌ها با درآمد)،
- اطلاع کامل‌تر از درآمدها و هزینه‌های هر دوره،
- تعیین نقطه سر به سر درآمدها و هزینه‌های هر دوره،
- مشخص نمودن درآمدهای وصول نشده و برنامه‌ریزی برای وصول آنها،
- دسترسی به اطلاعات لازم جهت برنامه‌ریزی،
- امکان محاسبه قیمت تمام‌شده خدمات ارائه شده،
- فراهم نمودن اطلاعات و شرایط برای بودجه‌ریزی عملیاتی،
- سنجش میزان مسئولیت‌پذیری مدیران و ارزیابی عملکرد آنان،
- تعیین میزان واقعی و اندازه‌گیری تمامی داراییها و منابع در اختیار و میزان بدهیها، و
- کاهش فساد مالی با انعکاس و شناسایی کلیه داراییها، هزینه‌ها و درآمدها.

سازمان

در تدوین استانداردهای بخش عمومی بر مفهوم پاسخگویی تأکید می‌شود. به نظر شما گزارشهای مالی باید به ایفای کدام یک از مسئولیتهای پاسخگویی تأکید بیشتری داشته باشد، پاسخگویی مالی یا پاسخگویی عملیاتی؟

شریعتی

از آنجایی که گزارشگری مالی به‌طور عمومی منعکس‌کننده

نشده و در مواردی به هدر می‌رود. از طرف دیگر، بودجه دستگاهها تا حدود زیادی تابع تصمیمهای سیاسی و اعمال نفوذ اشخاص و قدرت چانه‌زنی آنها است و میزان پاسخگویی کم‌رنگ می‌باشد. در سالهای اخیر اصطلاح بودجه‌ریزی عملیاتی هر از گاهی در رسانه‌ها مطرح شد و در قانون برنامه چهارم توسعه نیز سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف شده است با همکاری دستگاههای ذیربط به منظور اصلاح نظام بودجه‌ریزی از روش موجود به روش هدفمند و عملیاتی و به صورت قیمت تمام‌شده خدمات اقدام کند. اما تاکنون به دلیل فراهم نبودن شرایط لازم، تهیه بودجه عملیاتی محقق نشده است.

یکی از دلایل توفیق نیافتن در استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی، نبود سیستمهای اطلاعاتی لازم برای محاسبه قیمت تمام‌شده خدمات و فعالیتها است. از طرف دیگر استقرار سیستم قیمت تمام‌شده نیز مستلزم به‌کارگیری نظام حسابداری بر مبنای تعهدی است تا امکان شناسایی هزینه‌های استهلاک و هزینه‌های واقعی تحقق‌یافته برای انجام فعالیتها و تولید خدمات میسر شود.

سازمان

اشاره کردید که حسابداری مورد عمل بر مبنای نقدی است و لزوم به‌کارگیری نظام حسابداری بر مبنای تعهدی را مطرح ساختید. درباره مزایا و معایب این دو روش توضیح دهید.

شریعتی

سادگی و سهولت به‌کارگیری روش نقدی عمده‌ترین مزایایی است که می‌توان برای این روش نام برد. در به‌کارگیری روش نقدی نیاز برای استفاده از خدمات کارشناسی و یا اعمال قضاوت حرفه‌ای پیچیده کمتر موضوعیت پیدا می‌کند. به سبب نبود الزام نگهداری سوابق مربوط به قیمت تمام‌شده داراییها و موجودیها برای سالهای بعد این امر تا حد بسیار زیادی از حجم عملیات مالی کاسته است. در این روش اطلاعات مالی عینی است و هیچ برآوردی در تعیین آن به کار نرفته است. به دلایل یادشده، ضمن اینکه آموزش کادر مالی مورد نیاز به لحاظ وجود سوابق تجربی و آموزشی از سهولت بیشتری برخوردار است، نیروی انسانی آموزش‌دیده و با تجربه کافی نیز در اختیار دولت است.

رویدادها و فعالیتهایی است که براساس واحد پول گزارشگری (ریال) اندازه‌گیری می‌شوند، ناگزیر گزارش‌های مالی بخش عمومی با رویکرد پاسخگویی مالی تهیه و ارائه می‌شود. البته در موارد محدودی ممکن است گزارش‌های مالی حاوی اطلاعات کمی غیرمالی باشد که به منظور افزایش سودمندی این گزارشها ارائه می‌شود. مانند میزان کمی خدمات ارائه شده و یا پیشرفت فیزیکی در اجرای پروژه‌ها.

سازمان

با توجه به اینکه سازمانها و نهادهای دولتی و بخش عمومی در پی سودآوری نیستند، به‌کارگیری حسابداری بر مبنای تعهدی تا چه اندازه ضرورت دارد؟

شریعتی

همان‌گونه که در قبل نیز اشاره شد مزیتها و توانمندی روش تعهدی را نباید منحصر به اندازه‌گیری درآمدها و هزینه‌ها و تعیین سود دانست.

نیازمندیهای متنوعی در بخش عمومی وجود دارد که انتظار می‌رود نظام گزارشگری مالی بخش عمومی آنها را برآورده سازد. ایفای مسئولیت پاسخگویی دولت نسبت به داراییها و منابع در اختیار و مصرف شده، ارزیابی وضعیت مالی و عملکرد مالی دولت، سنجش توانایی دولت در ارائه به‌موقع خدمات، نیاز استفاده‌کنندگان در مورد ارزیابی کیفیت و کمیت بهای تمام‌شده خدمات واحدهای بخش عمومی، ارزیابی کارایی اثربخشی و صرفه اقتصادی فعالیتهای بخش عمومی برای تصمیم‌گیری رأی‌دهندگان، همگی نیازمند اطلاعات شفاف با قابلیت مقایسه است که نظام گزارشگری مالی بر مبنای تعهدی قادر به تأمین و گزارش آن می‌باشد.

سازمان

سادگی و سهولت به‌کارگیری روش نقدی را به‌عنوان یکی از مزایای مهم آن نام بردید. آیا این به آن معنی است که به‌کارگیری حسابداری تعهدی پیچیده و دشوار و استقرار آن مخاطره‌آمیز است؟

شریعتی

به‌نظر بنده استقرار حسابداری تعهدی نه تنها مشکل‌ساز نخواهد بود بلکه قرار است به کمک آن بسیاری از اشکالات موجود که در قبل به مواردی از آن اشاره شده رفع شود. اما

لازم است بررسی کنیم که چه مشکلاتی پیش‌روی استقرار حسابداری تعهدی قرار دارد و برای حل آنها تدبیر کنیم. به تعدادی از مشکلات عمده که ممکن است وجود داشته باشد اشاره می‌کنم.

• در حال حاضر اجرای روش تعهدی در مواردی با مفاد قانون محاسبات عمومی در تعارض است و یا منطبق با روشها و رویه‌های تعریف شده در قانون نیست. در این خصوص انتظار می‌رود گامهای جدی‌تری از سوی دولت و به‌ویژه وزارت امور اقتصادی و دارایی در جهت رفع موانع و فراهم نمودن بستر قانونی مناسب برداشته شود.

• نبود نیروی انسانی باتجربه و برخوردار از دانش حرفه‌ای کافی در زمینه به‌کارگیری استانداردهای گزارشگری بخش عمومی که مبتنی بر روش تعهدی تدوین یافته و در حال تدوین است.

• شناسایی و ارزیابی داراییها و بدهی‌های دولت به منظور انعکاس در حسابها مطابق با حسابداری تعهدی؛ در این رابطه، چه در زمینه شناسایی و چه در ارتباط با ارزیابی آنها به‌ویژه داراییهای منحصر به‌فردی که در اختیار دولت است به‌طور قطع مشکلات و پیچیدگیهای زیادی مطرح است. این موضوع نیازمند تدوین دستورعمل و احتمالاً پیش‌بینی اجرای مرحله‌ای آن طی چند سال می‌باشد.

• از جمله چالشهای پیش‌روی، موضوع حسابرسی گزارشهای مالی مبتنی بر روش تعهدی است که آن هم در درجه اول نیازمند به‌کارگیری استانداردهای حسابرسی مربوط، تدوین دستورعمل اجرایی و استفاده از نیروهای حسابرسی افزون بر امکانات فعلی دیوان محاسبات و آموزش آنها می‌باشد.

سازمان

به این ترتیب استقرار موفق استانداردهای جدید حسابداری بخش عمومی نیازمند زیرساختهای مناسب است. مهمترین زیرساختها کدامست؟

شریعتی

به‌طور کوتاه به چند زیرساخت مهم برای استقرار حسابداری تعهدی اشاره می‌کنم:

• اصلاح قوانین و مقررات ذیربط از جمله قانون برنامه و بودجه و قانون محاسبات عمومی به‌گونه‌ای که ضمن تأکید بر رسمیت و الزام به‌کارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی که

اهمیت وظیفه پاسخگویی مسئولین و

همچنین دسترسی به اطلاعات شفاف

مهمترین ضرورت به‌کارگیری روش تعهدی است

چکیده متنهای آموزشی و آشنایی مدیران با مبانی حسابداری تعهدی و استانداردهای بخش عمومی و برگزاری سمینارهای آموزشی چندروزه و تکرار شونده به‌صورت استانی و ناحیه‌ای مؤثر و مفید می‌باشد. البته لازم است در هر مقطع از طریق گرفتن بازخورد، برنامه‌های آموزشی بعدی مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گیرد.

سازمان

**برای استقرار موفق استانداردها چه تغییراتی در سیستم
دفترداری موجود باید داده شود؟**

شریعتی

از آنجایی که امروزه دفترداری عموماً با استفاده از سیستمهای الکترونیکی و با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای حسابداری انجام می‌شود، به‌طور قطع سیستمهای موجود پاسخگوی نیازهای نظام حسابداری تعهدی نخواهد بود. به‌کارگیری حسابداری تعهدی به‌طور قطع مستلزم طراحی فرایندهای جدید به‌ویژه در ارتباط با عنوانهای جدید حسابها از جمله داراییهای ثابت مشهود و نامشهود، موجودیها، بدهیها، مراحل مختلف مربوط به شناخت شامل تعیین ماهیت، ارزیابی و ثبت داراییها و بدهیها، تعیین بهای تمام‌شده داراییها و خدمات و اقدامهایی برای حفاظت از داراییها، محاسبه استهلاک و نگهداری سوابق حسابداری داراییها، استقرار نظام حسابداری انبار و همچنین ملاحظات مربوط به رعایت استانداردهای گزارشگری مالی و تهیه گزارشهای مالی متعدد و متفاوت از گذشته از جمله تلفیق صورتهای مالی است که موارد یادشده بیانگر ضرورت طراحی نظام دفترداری متفاوت از قبل می‌باشد.

بر مبنای حسابداری تعهدی تدوین یافته، پشتوانه لازم را برای توسعه و گسترش آن فراهم کند؛ از جمله تخصیص منابع مالی لازم در زمینه آموزش و تحقیق و توسعه.

• تربیت نیروی انسانی حرفه‌ای باصلاحیت به‌منظور به‌کارگیری صحیح استانداردهای حسابداری بخش عمومی با هدف گزارشگری شفاف در راستای برآورده‌کردن مسئولیت پاسخگویی دولت.

• تهیه نرم‌افزارهای حسابداری لازم به‌منظور سهولت تهیه و بالا بردن دقت و ارائه به‌موقع گزارشهای مالی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی و فراهم نمودن شرایط ارائه صورتهای مالی تلفیقی در سطوح مختلف تا کل دولت.

سازمان

**مدیران ارشد دولت و واحدهای عمومی در استقرار
استانداردهای حسابداری بخش عمومی نقش مهمی دارند.
آیا آنها به آموزش مبانی و ابزار تحلیل مالی نیاز دارند؟**

شریعتی

قبل از ورود به بحث آموزش مهم است که ضرورت، اهمیت و محاسن استقرار حسابداری تعهدی به‌ویژه توانایی فراهم کردن بستر اطلاعاتی لازم برای ارزیابی عملکرد را برای مدیران ارشد تبیین و از این رهگذر حمایت و پشتیبانی آنان را در استقرار حسابداری تعهدی فراهم کرد. در خصوص آموزش مبانی و ابزار تحلیل مالی به‌نظرم لازم است از خدمات مشاوره‌ای دست‌اندرکاران اجرای برنامه‌های آموزشی استفاده نمود. با این حال در این رابطه می‌توان از تجربه مشابه در زمینه آموزش استاندارد حسابداری مؤسسه‌های انتفاعی برای مدیران اقتصادی این بنگاه‌ها استفاده کرد. تهیه خلاصه و

گزارشگری مالی بخش عمومی به شدت نارسا و آسیب پذیر است و به همین دلیل جنبش وسیعی برای ارتقای نظام گزارشگری مالی بخش عمومی به راه افتاده است. در ایران نیز گامهای مهمی در این راستا برداشته شده است. پیشرفت آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شریعتی

حسابداری دولتی در ایران در ابتدای راه است. ضرورت وجود آن به‌عنوان یک نیاز مبرم از سوی مراجع ذیربط مورد تأکید است. گامهای جدی به‌منظور تدوین استانداردهای بخش عمومی به محوریت سازمان حسابرسی و معاونت خزانه وزارت امور اقتصادی و دارایی و با همکاری دیوان محاسبات و تا مقطعی با همراهی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برداشته شده است. تاکنون مبانی نظری و ۶ شماره از استانداردهای مربوط تدوین و تصویب شده و کار تدوین ۳ شماره بعد تا مرحله پیش‌نویس پیشرفت داشته است و تدوین شماره‌های بعدی در حال انجام است. همچنین آموزش کادر مورد نیاز از میان کارشناسان شاغل در نظام فعلی از سوی وزارت امور اقتصادی آغاز شده است. با این حال کارهای زیادی باقی مانده است که از انجام اصلاحات لازم در قوانین ذیربط و فراهم شدن زیرساختهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری به‌عنوان موضوعهای مهم می‌توان نام برد. در هر حال استقرار حسابداری تعهدی در چارچوب استانداردهای مربوط در شرایط فعلی یک ضرورت حتمی است و نیازهای اطلاعاتی بخش عمومی ضامن استمرار توفیق آن خواهد بود.

سازمان

و در پایان گفتگو ضمن تشکر از پاسخهای کاملی که به پرسشهای ما دادید نظر شما را درباره ترکیب اشخاص مشارکت‌کننده در فرایند تدوین استانداردهای حسابداری بخش عمومی پیرسیم؟

شریعتی

مشارکت افرادی در حوزه اداره امور مالی دولت، تدوین و کنترل بودجه و دستگاههای نظارتی با همکاری دانشگاهها به‌لحاظ آشنایی با مبانی تئوری و شناخت از محیط حسابداری بخش عمومی، ترکیب خوبی به‌منظور تدوین استانداردهای بخش عمومی است.



استقرار حسابداری تعهدی

نه تنها

مشکل‌ساز نخواهد بود

بلکه قرار است به کمک آن

بسیاری از اشکالات موجود

رفع شود

سازمان

آیا طراحی و به‌کارگیری فرایندهای جدید مورد نیاز نظام حسابداری تعهدی نیاز به پشتوانه قانونی دارد؟

شریعتی

قانون محاسبات عمومی به‌طور کلی بیانگر نحوه اداره امور مالی دولت است و شامل تعاریف مربوط به مفاهیم مالی، حسابداری، بودجه، بیان برخی رویه‌های حسابداری، چگونگی نگهداری حسابها، نحوه شناسایی هزینه‌ها و مصرف منابع، نگهداری داراییهای ثابت و نقل و انتقال آن، انجام معاملات دولتی، تعیین انواع گزارشهای مالی و واحدهای گزارشگر و موضوعهای مرتبط دیگر می‌باشد.

ماهیت موضوعهای مورد بحث به‌شرح یادشده ناگزیر تحت تأثیر مبانی حسابداری مورد عمل است. از اینرو اصلاح قانون محاسبات عمومی در جهت تبیین و انطباق با مبانی حسابداری تعهدی و استانداردهای بخش عمومی، یک ضرورت بنیادی است و پشتوانه بااهمیتی در پذیرش عمومی و الزام رعایت آن خواهد بود.

سازمان

بحرانهای بدهی دولتها در جهان نشان داد که نظام